

پایه آیین‌نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶)



دانشگاه شمال

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته حقوق گرایش فقه و جزا

بررسی تطبیقی اتانازی در فقه و حقوق کیفری ایران و هلند

نگارنده:

مهرداد رکنی

استاد راهنما:

دکتر یوسف نورایی

استاد مشاور:

دکتر حسین رنجبر

تابستان ۱۳۹۸

به نام خدا



تاریخ

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب مهرداد رکنی متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب تحت نظارت و راهنمایی اساتید دانشگاه شمال بوده و به دستاوردهای دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است مطابق مقررات و روال متعارف ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم‌سطح یا بالاتر ارائه نگردیده است.

در صورت اثبات تخلف در هر زمان، مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از درجه اعتبار ساقط بوده و دانشگاه حق پیگیری قانونی خواهد داشت.

کلیه نتایج و حقوق حاصل از این پایان نامه متعلق به دانشگاه شمال می‌باشد. هر گونه استفاده از نتایج علمی و عملی، واگذاری اطلاعات به دیگران یا چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه بدون موافقت کتبی دانشگاه شمال ممنوع است. نقل مطالب با ذکر مآخذ بلامانع است.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضا و تاریخ:

بایرستان

تاریخ: ۱۳۹۸/۶/۲۳
شماره: ۹۳۱۲۳۵۰۱۵
مقطع: کارشناسی ارشد

ارزشیابی نهایی پایان نامه

نام و نام خانوادگی دانشجو: مهرداد رکنی شماره دانشجویی ۹۳۱۲۳۵۰۱۵ مقطع: کارشناسی ارشد

عنوان پایان نامه:

بررسی تطبیقی اثناازی در لنگه و حقوق کیفری ایران و هلند

تاریخ دفاع: ۱۳۹۸/۶/۲۳

ارزشیابی پایان نامه:

عالی بسیار خوب خوب قابل قبول غیرقابل قبول

نمره پایان نامه بدون نمره مقاله: (به عدد) ۱۷/۷۵ : (به حروف) هفده و هفتاد و پنج درصد
نمره نهایی پایان نامه: (به عدد) : (به حروف) :

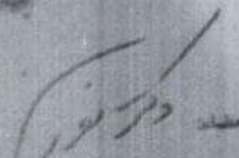
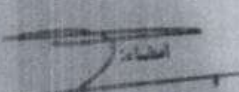
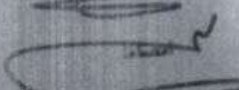


هیات داوران:

استاد رضا: جناب آقای دکتر یوسف نورانی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر حسین رنجبر

استاد مدعو: جناب آقای دکتر محمد نبی پور

نماینده تحصیلات تکمیلی: جناب آقای دکتر محمد نبی پور

امضاء: 
امضاء: 
امضاء: 
امضاء: 
امضاء: 

تقدیم به

دو گوهر عالم هستی

دو موهبت الهی

پدر و مادر عزیزم

و آنانی که مرا به سوی آموختن سوق دادند.

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می دانم از راهنمایی ها و مساعدت های کلیه کسانی که در تألیف این اثر بنده را یاری فرموده اند، کمال قدر دانی و سپاس را به عمل آورم. عنایت خاص استاد ارجمند جناب آقای دکتر یوسف نورایی و صبر و حوصله ی ایشان در نظارت بر روند تألیف و اصلاح، بی تردید موجب شده تا در تمامی عمر وامدار ایشان باشم. مشاوره و ارشادات استاد محترم، جناب آقای دکتر حسین رنجبر که با دقت و دلسوزی تمام بنده را یاری فرموده اند نیز شایسته تقدیر است و همچنین از استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد نبی پور که برای این اثر وقت صرف کرده و اثر بنده را به نقد و داوری می گذارند. از این رو توفیق و موفقیت همیشگی را در تمام زندگی از خداوند مَنّان برای این عزیزان خواستارم.

چکیده

اتانازی مسئله پیچیده ای است که بین گرایش فطری ادامه حیات و اصل آزادی و اختیار انسان قرار گرفته است. این موضوع مخالفان و موافقانی را به خود اختصاص داده است. مخالفان اتانازی، آن را ودیعه ای الهی می پندارند و قانونی شدن آن را راهی برای سوء استفاده افسار گسیخته عده ای تصور می کنند، اما در مقابل موافقان اتانازی اصل آزادی اراده را پذیرفته اند و انسان را در خصوص از بین بردن حیات خود مختار می دانند. پایان نامه حاضر به بررسی جایگاه اتانازی در دو کشور ایران و هلند می پردازد، زیرا هلند اولین کشوری است که اتانازی را به صورت قانونی به رسمیت شناخته است و ایران کشوری است که هیچ کدام از اقسام اتانازی را نپذیرفته است. از آنجایی که در قوانین ایران اتانازی پیشبینی نشده است، به همین خاطر مفهوم اتانازی را با توجه قتل و خودکشی در فقه امامیه مورد بررسی قرار خواهیم داد. با تصویب قانون اتانازی در هلند مراجعی که به حقوق بشر می پرداختند مخالفت شدید خود را نسبت به آن اعلام می دارند، اما با گذشت زمان موضع خود را تعدیل کرده اند و اتانازی را مفهوی ضد بشری تلقی نمی کنند.

واژگان کلیدی: اتانازی؛ قتل از روی ترحم؛ حقوق کیفری هلند

فهرست مطالب

۱۱	فصل اول: کلیات
۱۱	۱-۱ مقدمه
۱۱	۲-۱ بیان مساله
۱۲	۳-۱ پیشینه تحقیق
۱۳	۴-۱ سوالات تحقیق
۱۳	۵-۱ فرضیه های تحقیق
۱۳	۶-۱ اهمیت و کاربرد تحقیق
۱۳	۷-۱ اهداف تحقیق
۱۴	۸-۱ روش تحقیق
۱۴	۹-۱ روش و ابزار گرد آوری اطلاعات
۱۴	۱۰-۱ ساختار تحقیق
۱۵	فصل دوم: مفاهیم و سابقه تاریخی
۱۵	۱-۲ مفاهیم اتانازی
۱۶	۲-۲ تاریخچه اتانازی
۱۸	۳-۲ اتانازی در فروع فقهی
۱۸	۱-۳-۲ فرض اول
۱۹	۲-۳-۲ فرض دوم
۲۰	۴-۲ تاثیر رضایت مجنی علیه و انگیزه مرتکب در اتانازی
۲۰	۱-۴-۲ مفهوم عفو
۲۱	۱-۴-۲-۱ مفهوم حقوقی عفو
۲۱	۲-۴-۲-۱ عفو در آیات
۲۲	۳-۴-۲-۱ عفو در روایات
۲۳	۴-۴-۲-۱ اقسام عفو
۲۴	۲-۴-۲ مفاهیم مشابه عفو
۲۴	۱-۲-۴-۲ رضایت
۲۴	۲-۲-۴-۲ اتانازی

- ۲-۴-۳ روند قانونگذاری عفو مرتکب جنایت توسط مجنی علیه..... ۲۴
- ۲-۴-۴ اثر رضایت مجنی علیه در زوال مسولیت کیفری..... ۲۵
- ۲-۴-۵ موارد استثنایی در مورد رضایت مجنی علیه..... ۲۶
- فصل سوم: مبانی و چارچوب های نظری اتانازی و اقسام آن..... ۳۰**
- ۳-۱-۱ مبانی نظری اتانازی..... ۳۱
- ۳-۱-۳-۱ ادله موافقین اتانازی..... ۳۱
- ۳-۱-۳-۱-۱ استقلال فردی و حق انتخاب..... ۳۲
- ۳-۱-۳-۲ وظیفه کاهش درد و رنج دیگران..... ۳۳
- ۳-۱-۳-۳ حالت اجبار برای انجام اتانازی..... ۳۴
- ۳-۱-۳-۴ در نظر گرفتن شان و ارزش افراد..... ۳۴
- ۳-۱-۳-۵ اصالت سود..... ۳۴
- ۳-۱-۳-۲ ادله مخالفان اتانازی..... ۳۵
- ۳-۱-۳-۱ احترام و تقدس حیات بشر..... ۳۵
- ۳-۱-۳-۲ تشخیص اشتباه پزشکی و امکان بهبودی..... ۳۶
- ۳-۱-۳-۳ سوء استفاده از حق اتانازی..... ۳۷
- ۳-۱-۳-۴ فاصله طبقاتی..... ۳۸
- ۳-۱-۳-۵ انتخاب احساسی و به دور از منطق..... ۳۸
- ۳-۱-۳-۶ عدم استقلال کامل اشخاص..... ۳۹
- ۳-۱-۳-۷ تفاوت ناهوشیاری با مرگ..... ۳۹
- ۳-۱-۳-۸ تبدیل حق اتانازی به وظیفه اتانازی..... ۴۰
- ۳-۲ اتانازی از منظر فقه اسلامی..... ۴۰
- ۳-۲-۱ قائلین به سقوط حق قصاص و دیه..... ۴۲
- ۳-۲-۲ قائلین به عدم سقوط حق قصاص و دیه..... ۴۳

۳-۲-۳	قائلین به سقوط حق قصاص و شک در سقوط یا عدم سقوط دیه	۴۴
۳-۳	بررسی انواع و اشکال مختلف اتانازی	۴۴
۳-۳-۱	اتانازی فعال داوطلبانه	۴۵
۳-۳-۲	اتانازی فعال غیر داوطلبانه	۴۵
۳-۳-۳	اتانازی فعال اضطراری	۴۵
۳-۳-۴	اتانازی غیر فعال داوطلبانه	۴۶
۳-۳-۵	اتانازی غیر فعال غیر داوطلبانه	۴۶
۳-۳-۶	اتانازی غیر فعال اضطراری	۴۶
۳-۳-۷	اتانازی غیر مستقیم	۴۶
۳-۴	قتل ترخمی در حقوق جزای اسلام	۴۷
۳-۴-۱	قتل ترخمی در حقوق جزای تطبیقی	۴۸
۳-۴-۲	بررسی جرم شناختی قتل ترخمی	۴۹
۳-۴-۳	بررسی بزه دیده شناختی قتل ترخمی	۵۰
۳-۵	تفاوت اتانازی و مزگ مغزی	۵۱
	فصل چهارم: قواعد و مقررات اتانازی در ایران و هلند	۵۴
۴-۱	بررسی اتانازی در حقوق ایران و هلند	۵۴
۴-۱-۱	اتانازی در قانون اساسی ایران	۵۶
۴-۱-۱-۱	محترم بودن جان انسان	۵۶
۴-۱-۱-۲	حفظ حیثیت و کرامت انسانی	۵۶
۴-۱-۱-۳	احترام به آزادی فردی	۵۶
۴-۱-۲	روند تقنینی قانونگذاری اتانازی در هلند	۵۷
۴-۱-۳	شرایط پیش بینی شده در قانون هلند در خصوص اتانازی	۵۸
۴-۱-۴	اتانازی و کمک به خودکوشی و فروض مختلفه آن در قانون مجازات اسلامی	۶۰
۴-۱-۴-۱	فرض اول	۶۲

۶۳ ۴-۱-۴ فرض دوم

۶۳ ۴-۱-۴ فرض سوم

۶۵ ۴-۱-۴ ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی

۶۵ ۴-۱-۵ اتانازی عنوانی مستقل از قتل و کمک در خودکشی در قانون جزای هلند

۶۷ ۴-۱-۶ ضعف قانونگذاری اتانازی در هلند

۶۷ ۴-۱-۷ تطبیق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با قانون اتانازی هلند

۶۹ فصل پنجم: نتایج و پیشنهادها

۶۹ ۵-۱ نتیجه گیری

۷۱ ۵-۲ پیشنهادها

۷۳ منابع و مآخذ

فصل اول: کلیات

۱- مقدمه

قتل از روی ترحم نوعی قتل و آدم‌کشی است که با رضایت و موافقت یا درخواست و تقاضای مقتول توسط قاتلی که دارای انگیزه رحم یا شفقت یا انسان دوستی است، انجام می‌گیرد. کسانی که در شرایط این نوع از مرگ قرار دارند، بیشتر بیماران لاعلاج هستند یا کسانی که از یک بیماری شدید روانی (اختلال افسردگی اساسی و...) رنج می‌برند و با رضایت خود، از افرادی مثل پزشکان معالج یا پرستاران یا افراد خانواده خود بخواهند که به آن‌ها در مردن کمک کنند. در زبان فارسی به آن «خوش میری»، «مرگ آسان»، «مرگ شیرین» نیز گفته شده است. بنابراین این نوع قتل تا حدودی به قتل نفس و تا اندازه‌ای نیز به خودکشی شبیه است، هرچند که بین عناصر تشکیل دهنده آنها تفاوت‌هایی وجود دارد. قتل از روی ترحم همواره دارای طرفداران و موافقانی است که آن را یک روش معقول می‌شمرند؛ اما در مقابل، گروهی از مردم نیز به شدت مخالف این نوع قتل هستند. به هر حال این نوع از قتل در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا، قتل عمد محسوب شده و رضایت مجنی‌علیه عاملی برای موجه کردن آن نیست، لیکن انگیزه انسانی قاتل، ممکن است او را از جهات مخففه بهره‌مند کند. البته برخی از کشورها نیز قتل از روی ترحم را به رسمیت شناخته‌اند و آن را مورد «جرم‌زدایی» قرار داده‌اند، اما این نوع از قتل در شرع اسلام حرام و انگیزه قاتل در آن بی‌تأثیر است. لذا با توجه به مجموع این علل و اوصاف فوق‌الاشاره بررسی این مهم حائز اهمیت است.

۱-۲ بیان مساله

یکی از موضوعاتی که از سالهای دور تا به امروز در حقوق و از جمله اخلاق پزشکی مطرح می‌باشد مبحث اتانازی می‌باشد که از نظر اخلاقی، مذهبی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی همیشه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و دارای موافقان و مخالفانی می‌باشد. اتانازی مرگی است که پزشک آن را با اذن و رضایت کامل بیمار یا به دلیل ترحمی که نسبت به بیمار دارد برای رهایی از رنج و عذاب ناشی از بیماری غیر قابل علاج محقق می‌سازد. کسانی که در شرایط این نوع از مرگ قرار دارند بیشتر بیماران لاعلاج هستند و با کسانی که از یک بیماری شدید روحی رنج می‌برند و با رضایت خود از افرادی مثل پزشکان معالج و یا پرستاران یا افراد خانواده خود بخواهند که به آنها در مردن کمک کنند در فارسی به آن خوش میری، مرگ آسان، مرگ شیرین، باوقار مردن، مرگ موقرانه، مرگ بدون بی‌حرمتی نیز گفته می‌شود. اتانازی از جهت رفتار فیزیکی پزشک و عنصر رضایت به ۶ گروه قابل تقسیم بندیست: اتانازی فعال داوطلبانه اتانازی فعال غیر داوطلبانه، اتانازی غیر فعال اجباری، اتانازی غیر فعال داوطلبانه، اتانازی غیر فعال غیر داوطلبانه. از جمله مسایلی که در اینجا مطرح است این موضوع است که آیا بر اساس رضایت بیمار، پزشک می‌تواند

عمل اتانازی را که همان گرفتن جان بیمار می باشد انجام دهد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۱) برای پاسخ به این سوال باید به دو علم فقه و حقوق مراجعه نمود. در ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی سال ۶۱ آمده بود (با عفو مجنی علیه قبل از مرگ، قصاص ساقط نمی شود و اولیای دم می توانند پس از مرگ او قصاص را مطالبه کنند) در سال ۱۳۷۰ مقنن این موضوع را به نحوی دیگر و با فرقی زیاد نسبت به قانون قبل بیان داشت و در ماده ۲۶۸ عنوان کرد (چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو نماید حق قصاص ساقط و اولیا دم نمی توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند) حال باید ببینیم که در قانون جدید مجازات اسلامی که مباحثی همچون معاونت و یا شرکت در جنایت و همچنین موانع مسولیت کیفری را به صورت کامل تر بیان نموده است چه رویکردی اتخاذ شده است (آقای نی، ۱۳۸۶: ۱۶۷) و آیا باید اتانازی را مصداق جرم تام بدانیم یا خیر و تا چه اندازه با موارد گفته شده در فقه مطابقت دارد (فخلعی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) و (ساریخانی، ۱۳۸۸: ۳۵) همچنین کشوری همانند هلند که موارد بسیار زیادی از اتانازی دیده می شود و قوانین بسیاری در این رابطه دارد چه گونه عمل می کند و تا چه اندازه اجرای این قوانین تاثیر گذار است و آیا امکان استفاده از این قوانین در کشور همچون ایران که قانون او برگرفته از فقه نیز می باشد امکان پذیر و مناسب هست؟

۱-۳ پیشینه تحقیق

به اتانازی موضوعیست که سالها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و طبع است که در این باره اساتید و صاحب نظران نظرات و فرضیات مختلفی را مطرح نموده باشند: ۱- «حق مجنی علیه نسبت به عفو تنها بعد از وقوع جرم ایجاد می شود پس عفو قبل از وقوع جرم لغو خواهد شد» (عوده، ۱۳۷۳: ۱۷۳). ۲- «به انگیزه تحدید دامنه شمول ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و جلوگیری از پیامدهای آن می توان اسقاط حق قصاص از سوی مجنی علیه را به معنای زوال وصف مجرمانه قتل عمدی دانست و مرتکب را مشمول ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی نمود» (آقای نی، ۱۳۸۶: ۱۶۷). ۳- «عفو مرتکب پس از ارتکاب جنایت به مانند اذن ابتدایی او مسقط قصاص است به این معنا که اگر شخصی به دیگری فرمان دهد مرا بکش و او نیز چنین کند قصاص بر مرتکب واجب نیست» (فخلعی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) ۳- «اسلام با کشتن دیگری به هر شکل از نظر تکلیفی مخالف است و آن را حرام می داند ولی از جهت حکم وضعی بین فقها اختلاف است که به نظر می رسد سقوط قصاص و دیه از پشتوانه علمی بیشتری برخوردار است» (ساریخانی، ۱۳۸۸: ۳۵) ۴- «قتل های موسوم به مرگ آرام در اغلب نظام های کیفری قتل عمد به شمار می رود و همین حکم در مورد پزشکی که با اجازه و رضایت زن حامله جنین او را سقط می کند نیز جاریست» (اردبیلی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۱۸۹) ۵- «انگیزه شرافتمندانه مثل کشتن دیگری به قصد رهانیدن وی از درد و رنج تاثیری در مسولیت و میزان مجازات مرتکب ندارد دلیل این امر ثابت بودن مجازات این جرایم یعنی قصاص است» (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

۴-۱ سوالات تحقیق

۱. آیا از منظر قوانین جزایی فعلی ایران، اتانازی جرم است؟
۲. آیا بر اساس قواعد فقهی، حکم به جواز اتانازی غیرفعال امکانپذیر است؟
۳. آیا صرف رضایت بیمار در حال مرگ می تواند موجب ازاله صفت مجرمیت گردد؟
۴. آیا قواعدی مانند قاعده احسان موجب جواز اتانازی می گردد؟

۵-۱ فرضیه های تحقیق

۱. اتانازی به استناد عموماً مواد مبحث قتل جرم محسوب می شود.
۲. به نظر می رسد امکان پذیرش جواز اتانازی غیر فعال به کمک قواعد فقهی وجود دارد.
۳. به نظر می رسد صرف رضایت بیمار در حال مرگ موجب ازاله صفت مجرمیت نمی گردد.
۴. به نظر می رسد قواعدی مانند قاعده احسان دست کم در برخی موارد موجب جواز اتانازی می گردد.

۶-۱ اهمیت و کاربرد تحقیق

از سالها پیش که اتانازی به عنوان راهکاری برای کاهش درد و رنج بیماران مطرح شد با چالش های حقوقی و فقهی در این زمینه مواجه بودیم و به حدی نظرات مختلف در رد یا قبول اتانازی تاثیر گذار بود که شاید هر حکمی در این زمینه مخالف حکمی دیگر در مورد اتانازی بود ولی با بررسی اتانازی در این پژوهش موارد بسیار زیادی همراه مصادیق مورد بحث و بررسی قرار می گیر د تا مشخص شود آیا اتانازی قابل مجازات است یا خیر و حتی با بررسی قوانین هلند در این زمینه که انطباق بیشتری با حقوق بشر دارد شاید بتوان از قوانین هلند برای تکمیل قواعد حقوقی ایران در این زمینه و یا حتی جایگزینی این قوانین با توجه به رعایت موارد فقهی در آن بهره جست و به یک قانون مدون و یکپارچه در این خصوص پس از سالها دست یافت.

۷-۱ اهداف تحقیق

بکارگیری نتایج این پژوهش در راستای رفع نواقص قانونی از سوی نهادهای مرتبط با قانون گذاری و بررسی انواع

اتانازی و تطبیق آن با فقه و حقوق موضوعه ایران است و نیز تطبیق این قوانین با قوانین هلند در این زمینه می باشد تا با کنار گذاشتن این قوانین و فتواها به راهکاری درست در مواجهه با اتانازی دست یابیم.

۸-۱ روش تحقیق

در این پایان نامه از روش کتابخانه ای و توصیفی تحلیلی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و جمع آوری آراء و عقاید فقها و حقوق دانان و رجوع به معاهدات بین المللی استفاده نموده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پایان نامه نیز فیش برداری از کتاب ها، مقالات و دیگر منابع موجود می باشد.

۹-۱ روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با استناد به مطالعات کتابخانه ای به مطالعه و شناسایی اتانازی در فقه و حقوق ایران و هلند پرداخته و از آنجا که روش پژوهش بنیادی و توصیفی و کتابخانه ای است نه میدانی در نتیجه بررسی و تحلیل نظرات مشهور فقهی و مقایسه آنها باهم و همچنین مقایسه آن با قوانین و تحلیل برآیند آن می باشد.

۱۰-۱ ساختار تحقیق

پایان نامه حاضر در پنج فصل نگارش یافته است. ابتدا در فصل اول به بیان کلیات تحقیق پرداخته؛ در فصل دوم تحت عنوان تاریخچه و مفاهیم به تعریف مفاهیم لغات پرداخته و تاریخچه ای مختصر در خصوص اتانازی بیان می گردد و در فصل سوم نیز تحت عنوان اتانازی مبانی و چارچوب های نظری اتانازی و اقسام آن به بیان نظر موافقان و مخالفان اتانازی و بررسی انواع آن پرداخته خواهد شد و در فصل چهارم نیز تحت عنوان اتانازی در ایران و هلند، اتانازی را در قوانین و حقوق این دو کشور مورد بحث قرار داده ایم، در نهایت در فصل پنجم به بیان نتایج و پیشنهادات لازم می پردازیم.

فصل دوم: مفاهیم و سابقه تاریخی

در این فصل ابتدا به تعاریف لغات مرتبط به موضوع پایان نامه پرداخته می شود و در ادامه با بیان تاریخچه ایی مختصر و تفاوت میان برخی اصطلاحات به پایان می رسد.

۱-۲ مفاهیم اتانازی

اتانازی کلمه ایی است با ریشه یونانی برگرفته شده از ترکیب کلمات « EU » به معنی خوب و عالی^۱ و الهه مرگ، در داستان ها و افسانه های یونانی به معنی راحت مردن یا مرگ راحت آمده است. مفهوم مورد بحث در کتب لغت حقوقی اینگونه تعریف شده است: «۱. مرگ آرام و بی درد ۲. میراندن تعمداً و مصنوعی بیماران لاعلاج با امراض دردناک که این اصطلاح برای اولین بار توسط فرانسیس بیکن، فیلسوف انگلیسی در سال ۱۶۲۰ میلادی در کتاب ارغنون نو وضع گردید» (گلدوزیان، ۱۳۸۱: ۱).

در فرهنگ های لغت انگلیسی نیز اتانازی را به معنای مرگ آرام یا نجات دادن شخصی بیمار یا مصدوم از دردی زجر آور آورده اند و بعضی دیگر اتانازی را مرگ شیرین معنا کرده اند (oxford, 1989, p411). در زبان فارسی نیز بعضی آن را قتل ترحم آمیز یا قتلی که از روی ترحم صورت می گیرد یا قتل از روی ترحم را ترجمه ای مناسب پنداشته اند (عباسی، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

اصطلاحات دیگری نیز برای اتانازی ابداع شده است از آن جمله می توان به «ارتوتانازی» و «آنتی دیس تانازی» اشاره کرده که آن را به معنای اجتناب از مرگی لاعلاج و طولانی یاد شده است (الستیر، ۱۳۷۲: ۲۰۵).

این اصطلاح هنوز هم با همان معنای سابق خود یعنی مرگ بدون درد یا راحت مورد استفاده قرار می گیرد، اما جهت این اصطلاح در حال حاضر تغییر کرده است و به نوعی وارد دنیای اخلاق پزشکی شده است، که موجبات بحث های بسیاری را در زمینه حقوقی و اخلاقی فراهم آورده است. به هر حال این واژه به دنیای پزشکی وارد شده است و مانع مداخله پزشک یا عدم اقدام او در درمان بیماری های سختی شده که موجبات مرگ بیمار را فراهم می آورد، به عبارت دیگر اتانازی یا قتل از روی ترحم در حوزه پزشکی به عملی اطلاق می شود که پزشک در تسریع مرگ بیماری که دچار عارضه لاعلاج شده، مداخله می نماید، حال این اتفاق می تواند ناشی از خواست و اراده بیمار باشد یا سلب حیات

^۱ - Thanasia

وی زمانی که خودش قادر به درخواست این امر نمی باشد (الیوت و کوئین، ۱۳۸۶: ۱۸).

امر دیگری که در تعریف لغوی واژه اتانازی باید در نظر گرفته شود، این موضوع است که در زمره قتلی خاص قرار می گیرد، به عبارت دیگر یک عنصر اساسی در این نوع از قتل وجود دارد که آن هم قصد کمک به مفعول عمل اتانازی است و همین امر ویژه است که قتل ناشی از اتانازی را از دیگر قتل های شناخته شده متمایز می کند. برخلاف نظر عده ایی که اتانازی را نوعی خودکوشی در نظر گرفته اند، عناصری در این نوع از قتل نهفته است که مانع آن می شود که ما آن را خودکوشی محسوب کنیم؛ از آن جمله می توان به شخص دیگری غیر از مقتول که موجب مرگ می شود، درخواستی که مطالبه مرگ می کند، وجود شخص آسیب دیده از بیماری یا جراحت و قصد ترحم نسبت به مقتول نامبرد. همانطور که بیان شد در خودکوشی فاعل و مفعول یک نفر است اما در اتانازی فاعل و مفعول اشخاص مستقل از یکدیگر می باشند.

۲-۲ تاریخچه اتانازی

با کمی جستجو در اسناد تاریخی به شواهدی دست پیدا می کنیم که نشان می دهد اتانازی در برخی از جوامع رواج داشته است. بر اساس اسناد تاریخی این امر محرز می شود که در جوامع بدوی نوعی اتانازی فعال وجود داشته است (امام هادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰)، به صورتی که افراد دچار بیماری های سخت و لاعلاج را برای خلاصی از درد و رنج خفه می کردند. چنین مواردی حتی در زمان حاضر نیز در برخی از قبایل بدوی وجود دارد، مانند برخی از قبایل ساکن در آفریقا یا آمریکای جنوبی (وهاب زاده منش، ۱۳۸۵: ۱۴).

در کتب تاریخی آورده شده است که در برخی قبایل اسکیمو، سنتی اجتماعی وجود داشته به این صورت که فرزندان جوان قبیله پدر و مادر کهنسال خود را که از انجام امور روزمره بازمانده بودند با دستان خود می کشتند و خود داری از انجام چنین امری نکوهیده بوده است، یا در یونان باستان اسپارت ها قتل افرادی را که به صورت ناقص الخلقه یا (هیولا) متولد می شدند را مجاز می دانستند، بعضی دیگر از قبایل نیز کشتن فرزندان متولد از زنا یا فرزندی که موجب مرگ مادر می شدند را به عنوان یک رفتار یا هنجار اجتماعی پذیرفته بودند. (دورانت، ۱۳۷۰: ۶۶).

در بسیاری از تمدن ها تاریخی مانند تمدن های واقع در سواحل مدیترانه، بین النهرین و هند که اصالت جامعه را نسبت به فرد پذیرفته بودند، از بین بردن هر چیز یا شخصی که هویت و یا بقای جامعه آن زمان را تهدید می کرد جایز بوده است. در بسیاری از موارد مانند فراگیر شدن بیماری هایی مانند طاعون وبا و ... تسریع و کشتن بیماران به منظور نجات جامعه مجاز بوده است (اعتمادیان، ۱۳۴۲: ۱۱۴).

در خصوص حادثه هلوکاست نیز برخی از نویسندگان بیان داشتند، کشتار در کوره های آدم پزی ریشه اتانازی داشته است، به این شکل که در ابتدای امر اشخاصی سوزانده می شدند، که خود می گفتند زندگی شان بی ارزش است، اما بعد ها در انجام این عمل نگاهی ایدئولوژیک و سیاسی غالب شد (گلدوزیان، ۱۳۷۶: ۱۶۰)، اما با در نظر گرفتن همه این موارد جوامعی نیز بوده اند که به صورت مطلق خودکوشی و یا کمک در انجام چنین عملی را نپذیرفته بودند و این امر را خلاف اراده خدای واحد یا دیگر خدایان می دانستند، مانند مصر باستان که که معتقد بودند شخصی که به چنین عملی دست می زند خود را از خداوند جدا کرده است، و همچنین ایرانیان باستان که این عمل را خلاف اراده اهورا مزدا و نفرینی بزرگ می پنداشتند، در همین راستا می توان از جوامع اسلامی نیز نامبرد، که بصورت دقیق شرایط و موانع چنین امری را پیشبینی نمودند (گلدوزیان، ۱۳۷۶: ۱۷۱).

بر خلاف جوامع باستانی بعد از دوران رنسانس جمع کثیری از فیلسوفان و جامعه شناسان غربی از جمله نیچه، هگل، و در رأس آنها فرانسیس بیکن فرد و توجه به هویت مستقل انسانی را با ارزش می شمارند و اصالت فردگرایی را نسبت به اصالت جامعه که در جوامع باستانی پذیرفته شده بود برتری می دهند، اما آن ها نیز رأی به مجاز بودن اتانازی می دهند، ولی با این تفاوت که تسریع در مرگ بیمار محکوم به مرگ را فقط به علت رحم و شفقت نسبت به بیماران و تسکین درد و رنج آنان جایز دانسته اند، به عبارت دیگر در جوامع باستانی بر اصالت و منافع و مصالح جامعه تاکید داشتند اما گروه جدید متفکران بر فرد مستقل از جامعه تاکید کرده اند (اعتمادیان، ۱۳۶۲: ۱۱۶).

در مقابل اظهارات فیلسوفان این پزشکان بودند که نظر آن ها را نپذیرفته و اتانازی را امری خلاف اخلاق پزشکی پنداشته اند. در سوگند نامه پزشکی بقراط اینگونه آمده است که: «به خواهش و تمنای هیچ کس داروی کشنده نخواهم داد و مبتکر تلقین چنین فکری نخواهم بود».

با توجه به مطالب بیان شده مشخص می شود که مفهوم و عمل اتانازی نظرات و عقاید گوناگونی را به خود اختصاص داده است، که سعی می شود در ادامه مباحث بعدی بیشتر مورد بررسی قرار گیرند.

بسیاری از نویسندگان، مطرح شدن بحث اتانازی را معلول پیشرفت در علوم پزشکی دانسته اند؛ که امید به زندگی را ارتقا داده و گزینه ی ادامه زندگی را در بیماران در حال مرگ افزوده است. اما این پیشرفت ها شمشیری دو لبه شده است: فناوری، پزشک را برای مبارزه با بیماری، ارتقا کیفیت زندگی و افزایش طول عمر، توانمندتر می کند ولی هنگامی که این فناوری برای بیماران در حال مرگ به کار می رود غالباً رنج آنها را طولانی کرده و به جای ارتقای کیفیت زندگی، به کمیت آن را می افزاید (آقا بابایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸).

شاید لازم باشد تاریخچه عمل اتانازی برای درک بهتر مفهوم مورد نظر به صورت وسیع تری مورد بررسی قرار گیرد، اما به دلیل جلوگیری از پراکنده گویی در این زمینه و تمرکز هرچه بیشتر در خصوص موضوع تحقیق حاضر توضیحات

تکمیلی در مباحث بعدی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲-۳ اتانازی در فروع فقهی

پدیده «خودکشی» از دیدگاه علوم مختلف چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی، جرم‌شناسی و حقوق کیفری قابل تحلیل و بررسی است. از لحاظ حقوق کیفری، بحث راجع به خودکشی، در حاشیه بررسی‌های قتل‌ها به میان می‌آید. از این حیث، خودکشی یا انتحار، قتلی است که مرتکب جرم (قاتل) مفعول جرم (مقتول) نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، هرگاه مجنی‌علیه یا بزه دیده قتل، خود قاتل باشد، خودکشی تحقق می‌یابد (محسنی، ۱۳۷۶: ۱۲). با توجه به دیدگاه‌ها و نظریات مختلف فقها این بند در دو بند به بررسی اتانازی در فقه می‌پردازد.

۲-۳-۱ فرض اول

چنانچه قاتل همان مقتول باشد. گرچه به ظاهر، عنوان این نوشتار یعنی قتل از روی ترحم شامل این مورد نمی‌شود؛ زیرا عنوان اقتضا می‌کند که قاتل و مقتول دو نفر باشند تا عنوان ترحم صدق کند، ولی ملاک مسأله در این صورت هم وجود دارد. مثال این صورت چنین است: کسی در بیابان بر اثر تشنگی درحال تلف شدن است و می‌داند که هرگز آب به دستش نخواهد رسید و برای رهایی از زجر تشنگی اقدام به خودکشی می‌کند و یا مریضی روی تخت بیمارستان خوابیده و اکسیژن به دستگاه تنفسی او وصل است که اگر قطع شود می‌میرد. چنین شخصی از درمان بیماری اش مأیوس شده است و می‌داند که خواهد مرد و برای کوتاه کردن مدت احتضار و رهایی از سختی بیماری، جریان اکسیژن را از دستگاه تنفسی اش قطع می‌کند. در این صورت بدون شک عنوان خودکشی انتحار صدق خواهد کرد؛ ولی آیا صرف زجر کشیدن مریض می‌تواند مجوز اقدام او برای خودکشی باشد؟

دلیلی بر جایز بودن این کار وجود ندارد و لاقلاً در آن شک داریم. بنابراین، عمومات و اطلاقات حرمت قتل نفس شامل این مورد شده و حرمت آن ثابت می‌شود. مؤید این مطلب این است که فقیهان مسأله ای را عنوان کرده اند که اگر کسی دیگری را تهدید کند و بگوید: «اگر خودت را نکشی من تو را می‌کشم»، آیا جایز است که فرد اقدام به خودکشی کند یا نه؟ بیشتر یا همه فقیهان بر عدم جواز قتل فتوا داده اند؛ چون اکراه نمی‌تواند مجوز قتل باشد ولی برخی تفصیل داده و گفته اند: اگر قتلی که اکراه کننده وعده داده، شدیدتر از قتلی باشد؛ که اکراه شونده می‌خواهد با آن خودکشی کند مانند قتل همراه با شکنجه اکراه شونده می‌تواند روش آسان را برای قتل خود انتخاب کند تا از قتل سخت تر رهایی یابد؛ زیرا در این صورت اکراه صدق می‌کند، اما اگر کیفیت هر دو قتل یکسان باشد اکراه صدق نمی‌کند، بنابراین اقدام به خودکشی جایز نخواهد بود. (شهید ثانی، ج ۱۵، ۱۳۷۴: ۹۰).

ولی برخی دیگر از فقها گفتار ایشان را نقد کرده و گفته است:

اگر چنین کاری جایز باشد، بنابراین کسی هم که می داند از تشنگی خواهد مرد می تواند خودش را با روشی آسان تر بکشد (صاحب جواهر، ج ۴۲، ۱۴۴۵: ۵۴). از کلمات صاحب جواهر چنین بر می آید که جایز نبودن خودکشی در مثال تشنگی حکمی مسلم است.

۲-۳-۲ فرض دوم

چنانچه قاتل و مقتول دو نفر باشند، و مقتول دارای حیات مستقر باشد، و قتل با اذن مقتول و با فعل ایجابی انجام گرفته باشد. برای توضیح این موضوع باید معنای حیات مستقر و فعل ایجابی روشن گردد.

فقیهان برای حیات مستقر تعریف های متعددی به شرح ذیل ارائه کرده اند؛

حیات مستقر در حیوان به معنای این است که یک یا چند روز زنده بماند، و اگر چنین نباشد حیوان دارای حیات مستقر نخواهد بود. (صاحب جواهر، ج ۳۶، ۱۴۴۵: ۱۴۱). این تعریف در باب تذکیر ذبح شرعی حیوان بیان شده است.

حیات مستقر در انسان به معنای این است که همراه با ادراک و حرکت و نطق اختیاری باشد. (صاحب جواهر، ج ۴۲، ۱۴۴۵: ۵۴ و علامه حلی، ج ۲، ۱۴۱۹: ۱۹). کسی که فاقد همه این علائم باشد دارای حیات مستقر نیست گرچه علائم حیاتی مانند تنفس در او باشد. این تعریف در باب قصاص گفته شده است.

بنابراین تعریف اول اگر کسی بیش از یک یا دو روز زنده نماند دارای حیات مستقر نیست، خواه قادر بر ادراک و نطق و حرکت اختیاری باشد یا خیر. ولی بنابر تعریف دوم اگر قادر بر ادراک و نطق و حرکت اختیاری باشد دارای حیات مستقر است گرچه بیشتر از یک یا دو روز زنده نماند و اگر بر ادراک و نطق و حرکت اختیاری قادر نباشد دارای حیات مستقر نیست. ظاهراً آنچه در باب قتل نفس مورد توجه می باشد همان تعریف دوم است. این مطلب از کلمات فقیهان در باب قتل نفس، ارث، وصیت و مانند اینها استفاده می شود. و تعریف اول فقط در باب تذکیر ذبح شرعی کاربرد دارد.

فعل ایجابی (ایجاد)، منظور از فعل ایجابی این است که شخص با انجام دادن کاری سبب قتل شخص دیگری شود، خواه با استفاده از آلات کشنده مانند اسلحه باشد و یا با استفاده از سموم و سایر مواد کشنده و یا حتی با قطع جریان اکسیژن و خون و مانند آنها نسبت به مریضی که حیات او به آنها بستگی دارد.

ولی منظور از فعل سلبی این است که شخص با ترک فعلی که بر آن قادر است سبب مرگ شخص دیگری شود؛ مثلاً